
ارزش‌های فرهنگی و گرایش به فرزندآوری در زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر همدان

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۴

تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۲۸

ام البنین چابکی

دانشیار دانشگاه الزهرا - b.chaboki@alzahra.ac.ir

فریبا سیدان

استادیار دانشگاه الزهرا - fariseyedani@gmail.com

طاهره ساعتی معصومی

کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا - taherehsaati@gmail.com

چکیده

کاهش گرایش به فرزندآوری، یکی از عوامل تهدیدکننده بنیان خانواده است. برخی علت این امر را عوامل اقتصادی و برخی دیگر عوامل فرهنگی می‌دانند. پژوهش حاضر با هدف نشان دادن نقش عوامل فرهنگی در گرایش به باروری به این موضوع می‌پردازد. روش پژوهش، پیمایشی است و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است که ۳۸۴ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر همدان در سال ۱۳۹۵ به آن پاسخ دادند. پاسخگویان به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss 22 استفاده شد. نتایج نشان داد بین نمرات ابعاد شش‌گانه ارزش‌های فرهنگی و گرایش به باروری در سطح ۹۹ درصد اطمینان، رابطه معنادار آماری وجود دارد و متغیر ارزش‌های فردگرایانه با ضریب همبستگی ۰/۶۵۸، قوی‌ترین رابطه را با متغیر وابسته داشته است. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، متغیرهای ارزش‌های فردگرایانه، باورهای دینی درباره فرزندآوری و دیدگاه زنان به کارکردهای خانواده، ۶۴/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و متغیر ارزش‌های فردگرایانه بیشترین و درآمد خانواده کمترین قدرت تبیین را داشته‌اند. بنابراین اقدام

فرهنگی در ارتباط با ترویج آموزه های دینی درباره فرزندآوری و پیامدهای فردگرایی می تواند در این راستا راهگشا باشد.

واژگان کلیدی:

زنان، باروری، ارزش های فرهنگی، همدان.

مقدمه

تغییر ارزش های فرهنگی در جوامع گوناگون از جمله در کشور ما، به دگرگونی های چشمگیری انجامیده است. این تغییرات که بیش از هر چیز تحت تأثیر رسانه ها در عصر جهانی شدن رخ داده، برخی باورها را در مورد زنان به چالش کشیده و به نسل جدید، این آگاهی و فرصت را داده که ارزش ها و هنجارهای جامعه را به صورت بازاندیشانه بپذیرد و نگاهی انتقادی به هنجارهای سنتی جامعه داشته باشد. از نظر کاستلز (Castells)، گسترش فناوری اطلاعات از نظر جامعه شناسی، عامل مهمی در تحول خانواده و منزلت زنان بود (ر.ک: کاستلز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۷۵-۲۹۶)؛ به گونه ای که می توان گفت یکی از کانون های دگرگونی و تحول در جامعه امروز ایران، نهاد خانواده است. به نظر می رسد یکی از محسوس ترین پیامدهای تغییرات ارزشی در حوزه خانواده در ارتباط با گرایش به فرزندآوری رخ داده باشد؛ زیرا میزان باروری در کشور نسبت به دهه گذشته، کاهش محسوسی یافته است. این پدیده در استان های گوناگون کشور از جمله در استان همدان با تفاوت های اندکی دیده می شود. بر اساس گزارش سالنامه آماری شهر همدان، میزان باروری در سال ۱۳۶۵، ۳/۳ درصد بود که در سال ۱۳۹۰ به ۱/۷۱ درصد کاهش یافت (وزارت کشور، ۱۳۹۱). این میزان پس از درپیش گرفتن سیاست های تشویقی برای فرزندآوری - به گفته معاون سیاسی - امنیتی استاندار همدان - به ۲/۱ درصد رسید (<https://www.tasnimnews.com/1396>). نظر به توصیه های اسلامی در خصوص فرزندآوری و با توجه به پیامدهای کاهش جمعیت جوان و فعال در کشور، مطالعه علل این امر ضروری به نظر می رسد. پژوهش های انجام شده، عوامل اقتصادی، اجتماعی و روان شناختی بسیاری را در ایجاد چنین وضعی مؤثر می دانند. این در حالی است که به عوامل فرهنگی در این پژوهش ها توجه نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر می کوشد رابطه ارزش های فرهنگی را با گرایش زنان به باروری در شهر همدان بررسی کند. عوامل فرهنگی به این دلیل در مطالعه رفتارها اهمیت دارند که به ارزش ها و باورها

سمت و سو می دهند. ارزش ها سبب می شوند افراد در برابر تغییر مقاومت کنند؛ ضمن آنکه می توانند محرکی قوی برای انجام کارها باشند (روشه، ۱۳۸۳، صص ۶۸ و ۷۰). از آنجاکه برخی نظریه پردازان بر این باورند که متغیر تعیین کننده سطوح باروری نکاحی - بر خلاف آنچه تاکنون بیشتر به وسیله کلاسیک ها و نئو کلاسیک ها گفته شده - متغیرهای فرهنگی است (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲، ص ۷)، می توان گفت کاهش تمایل به فرزندآوری بیش از هر چیز نشانه نوعی تغییر ارزشی در حوزه خانواده است.

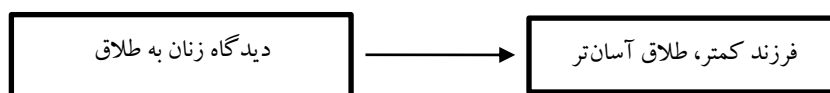
۱-۱. ارزش های فرهنگی و فرزندآوری

عوامل فرهنگی که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم با گرایش به باروری رابطه دارند، عبارت اند از:

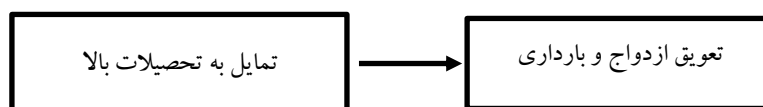
۱-۱-۱. تغییر دیدگاه به ازدواج: فرهنگ یک جامعه، مجموعه ای از ارزش ها و ملاک ها را برای زندگی به فرد می دهد که ازدواج، سن مناسب برای تشکیل خانواده و معیارهای همسرگزینی از جمله آنهاست؛ از این رو کاهش گرایش به ازدواج در جوانان یا تمایل به ازدواج در سنین بالا، در فضای حاکمیت ارزش های مدرن قابل درک است. ارزش های جدید فرهنگی با تأثیر بر اندیشه های فرد گرایانه و آزادی خواهانه و لذت جویانه، موجب کاهش گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده شده است یا ازدواج در سنین بالا را مطلوب جلوه می دهد. تحت تأثیر چنین ارزش هایی، گرایش به ازدواج کاهش یافته است یا با تأخیر صورت می گیرد. این امر موجب کاهش فرصت باروری برای زنان و در نتیجه کاهش میزان فرزندآوری در جامعه می شود (ر.ک: عباسی شوازی، ۱۳۹۶).

۱-۱-۲. تغییر دیدگاه به طلاق: تغییر نگرش به طلاق و ازین رفتن قبح و زشتی آن، سبب تسهیل تصمیم گیری برای طلاق شده است. افزایش میزان طلاق در جامعه، به این امر می انجامد که افراد هنگام ازدواج و تشکیل خانواده، همواره به این موضوع بیندیشند که هر لحظه ممکن است مشکلی آنها را به جدایی بکشاند و فرزندان بیشتر، گرفتن چنین تصمیمی را دشوار می کند. در گذشته، زن و مرد، کمتر به طلاق می اندیشیدند و با تولد فرزندان بیشتر، پایه های زندگی مشترک خود را استوار می کردند؛ زیرا وجود بچه های زیاد، طلاق را تقریباً ناممکن می کرد. امروزه طلاق از نخستین گزینه هایی است که برای رهایی از مشکلات زناشویی مدنظر قرار می گیرد. برای نسل جدید، صبر و تحمل بی معناست و نگرش ها و ارزش های معطوف به مسئولیت پذیری در برابر دیگران رفته رفته اهمیت و اعتبار

خود را از دست داده است و آن دسته از ارزش‌ها و نگرش‌ها اهمیت یافته‌اند که معطوف به منافع و کامیابی‌های فردی‌اند (فروتن، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵).

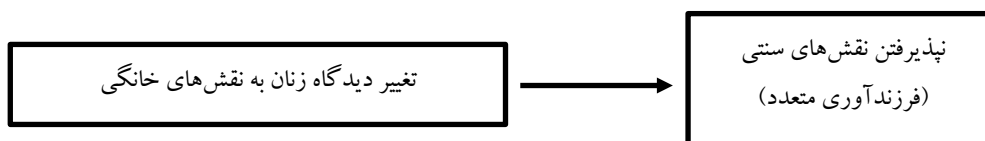


۱-۳-۱. تمایل زنان به تحصیلات بالا: تحصیلات تغییرات نگرشی در زنان ایجاد می‌کند و درک آنان را از خود و فرزندآوری تغییر می‌دهد (جمشیدی‌ها و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۱). از نظر مارتین و جوزز، تحصیلات با دادن آگاهی و شناخت، فراهم آوردن امکان پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و نیز با تغییر نگرش می‌تواند بر رفتار باروری اثرگذار باشد (Martin & Juarez, 1995, p.53). در واقع تحصیلات می‌تواند منبع ارزش‌ها و باورهای جدیدی برای افراد باشد (مصطفوی، ۱۳۸۳، ص ۷۸)؛ ضمن آنکه اولویت قائل شدن برای تحصیل، زمان را برای فرزندآوری کوتاه می‌کند و سبب می‌شود زنان دیرتر و به میزان کمتر به باروری تمایل نشان دهند یا آن را به زمان فارغ‌التحصیلی خود موکول کنند.

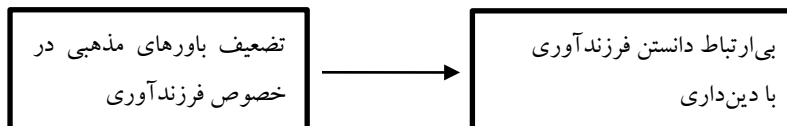


۱-۳-۴. تغییر دیدگاه درباره نقش زن در خانواده: تغییر ارزش‌های خانوادگی، به برابری زنان در این عرصه و افزایش قدرت چانه‌زنی آنان در خصوص مسائل خانواده انجامیده است. این امر قدرت تصمیم‌گیری زنان را در امور مربوط به خانواده از جمله فرزندآوری بالا می‌برد؛ از این رو کاهش باروری و تغییرات اشکال خانواده را باید در چارچوب نقش‌های جدید زنان فهم و ادراک کرد (امینی یخدانی، ۱۳۹۳، ص ۲). در گذشته داشتن بچه و بزرگ کردن او مهم‌ترین خواست هر زن معمولی و یکی از مهم‌ترین وظایف او در زندگی بود و در نتیجه یکی از بزرگ‌ترین منابع رضایت او به شمار می‌رفت؛ ولی امروزه شمار زنانی که داشتن فرزند را به تعویق می‌اندازند یا از بچه‌دار شدن برای اختصاص وقت خود به کارهای خارج از خانه صرف نظر می‌کنند، رو به افزایش است. در مطالعه اینگلهارت، پرسش‌شوندگان جوان‌تر کمتر از پرسش‌شوندگان بزرگ‌تر احساس می‌کردند زن برای تحقق خود به بچه نیاز دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۲۴). یکی از علل این تغییر رفتار، کم‌اهمیت جلوه دادن نقش‌های همسری و مادری و حتی کار خانگی است که تفکرات فمینیستی در این زمینه تأثیر بسزایی داشته است. فریدان بر این باور است که

پرداختن به کار خانه‌داری، محصول فرهنگی است که از زنان خود انتظار رشد ندارد و حاصل آن تلف شدن یک نفس انسانی است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۷، ص ۳). از نقش چنین دیدگاه‌هایی در ارتباط با تغییر نگرش به کارکرد طبیعی خانواده و از جمله باروری نباید غفلت کرد.



۱-۵. تضعیف باورهای دینی در خصوص اهمیت فرزندآوری: در ارتباط با باروری، همه ادیان ارزش‌گذاری کاملاً مثبتی دارند. با نگاهی گذرا به رفتار باروری پیروان ادیان بزرگ چون اسلام، مسیحیت و یهودیت، آشکارا می‌توان نگرش مثبت آنها به این پدیده را دریافت. کلیسای کاتولیک ازدواج و افزایش جمعیت را سفارش می‌کند و با هر عاملی که به محدود شدن بُعد خانواده و فرزندآوری بینجامد، مخالف است (کتابی، ۱۳۸۸، ص ۳۴). دین یهود نیز پیروان خود را به افزایش جمعیت و پراکنده شدن در سراسر جهان تشویق می‌کند (همان، ص ۳۲). همچنین دین اسلام، بزرگ‌ترین دین طرفدار جمعیت بوده و برخی اندیشوران مسلمان ایدئال ازدواج را زادوولد و تناسل می‌دانند (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴-۱۶۵). از منظر اسلام، فرزند موهبت بزرگ الهی است و زنان و مردان فقط در وضعیت خاص می‌توانند به کنترل موالید مبادرت کنند. بر اساس حدیث معروفی، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت، تعداد هر چه بیشتر امت مسلمان را وسیله مباحثات خود به امت‌های دیگر در روز رستاخیز اعلام کرده‌اند (بستان، بختیاری و شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص ۷۱). با وجود سفارش‌های اسلامی، جامعه ما شاهد کاهش گرایش زنان به فرزندآوری است که در واقع به نوعی نشان‌دهنده کاهش باورهای مذهبی در این زمینه خاص است و بیشتر شامل حال جوان‌ترها می‌شود. به اعتقاد اینگلهارت، نگرش‌های غیرمذهبی بیشتری در میان جوان‌ترها مشاهده می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۱۲)؛ وی در عین حال این نکته را از نظر دور نداشته که جوانان در برخی موارد، حساسیت بیشتری به امور معنوی دارند (همان). این مسئله شاید به نوعی بیانگر وضع جوانان جامعه ما باشد که با وجود پایبندی به ارزش‌های دینی، از داشتن فرزندان بیشتر پرهیز می‌کنند؛ زیرا باورهای مرتبط با فرزندآوری در آنان تضعیف شده است.



۱-۲. پیشینه تحقیق

«فرهنگ و باروری» عنوان مقاله مصطفوی (۱۳۸۳) است که اطلاعات آن به روش اسنادی و مراجعه به آمارهای جمعیتی گردآوری شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد کاهش میزان باروری در ایران تحت تأثیر عوامل فرهنگی چون سن ازدواج و تحصیلات زن و شوهر، محل سکونت و همچنین کاهش مرگ‌ومیر کودکان قرار دارد. چراغی کوتیانی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی» به این نتیجه دست یافتند که جمعیت و تحولات آن، محور همه سیاست‌گذاری‌های کلان است. این تحولات متأثر از عوامل گوناگونی است که در این میان نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری» عنوان پژوهش عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) است. نتایج این مطالعه که با حجم نمونه ۶۰۰ تن از زنان و دختران جوان شهر شیراز انجام شد، نشان داد تقریباً ۲۹ درصد از زنان به فرزندآوری گرایش دارند. رستگار خالد و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تغییرات فرهنگ و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)»، به این نتیجه رسیدند که رابطه کاملاً معناداری میان متغیرهای فردگرایی، دین‌داری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در میان مراکز استانی ایران با میزان باروری در این استان‌ها وجود دارد. داده‌های این مطالعه از یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ استخراج شده است. «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر باروری نرخ کلی زنان در سن باروری» عنوان پژوهش رشادت و دیگران (۲۰۱۵م) است که در آن، عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر میزان کلی باروری در زنان کرمانشاه در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ میلادی بررسی شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، افزایش میزان تحصیلات زنان، بیشترین تأثیر را بر کاهش میزان باروری داشته است. «تأثیرات تولیدمثل بر روی ارتباطات: تکامل فرهنگی، باروری پایین»، عنوان پژوهش نیوسان (Newson) و دیگران (۲۰۰۷م) است. نتایج این پژوهش نشان داد هنجارهای فرهنگی و تمایل به شباهت داشتن خویشاوندان در کسانی که با خویشاوندان خود ارتباط

قوی دارند، بر تصمیمات باروری آنان تأثیر معناداری دارد. نتایج مطالعه بودین (Baudin) (۲۰۱۰م) با عنوان «نقش انتقال فرهنگی در باروری» بیانگر آن است که تغییر در باروری نمی‌تواند بدون شوک فرهنگی روی دهد. یافته‌های پژوهش مویر (Muir) (۲۰۱۲م) با عنوان «تأثیر فرهنگ بر ارزش‌های فرهنگی و باروری» نشان داد ترجیحات باروری، یک ارزش فرهنگی قابل انتقال (آموختنی) است.

هریک از پژوهش‌های یادشده از زاویه‌ای، عوامل فرهنگی و گرایش به باروری را بررسی نموده و از برخی عوامل و ارزش‌های فرهنگی غفلت کرده‌اند؛ از این رو در پژوهش حاضر تلاش شد ضمن توجه به مؤلفه‌های فرهنگی مطرح شده، به عواملی پرداخته شود که در این پژوهش‌ها به آن پرداخته نشده است؛ عواملی مانند دیدگاه زنان به کارکردهای خانواده، گرایش به ازدواج، نگاه زنان به طلاق، تمایل به تحصیلات بالا و مواردی مانند آن که نشان‌دهنده تغییرات ارزشی در خانواده است.

۱-۳. مباحث نظری

اینکلهارت اعتقاد دارد در چند دهه گذشته در سرتاسر جامعه پیشرفته صنعتی، شواهدی دال بر فاصله میان مردم و هنجارهای فرهنگی و مذهبی سنتی دیده می‌شود. زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی در ارتباط است (اینکلهارت، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴). نتایج مطالعات اینکلهارت نشان داد جوانان کمتر بر این باورند که «زن برای تحقق خود نیاز به بچه دارد» (همان، ص ۲۲۴). از دید وی جوانان، کمتر ازدواج می‌کنند چون فرامادی هستند و چون اولویت‌های فرامادی دارند، کمتر به داشتن بچه علاقه نشان می‌دهند (همان، ص ۹۹).

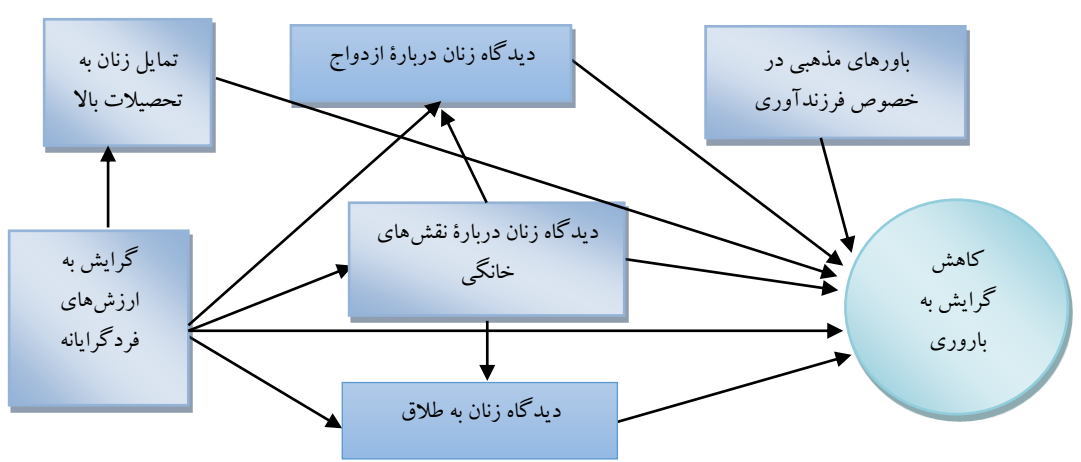
بنا بر نظر گیدنز، خانواده سنتی - هر جا که باشد - به این گرایش دارد که در نهاد ازدواج، نقش‌های ثابتی را برای مرد و زن قائل شود. تا یک نسل پیش، ازدواج گذرگاهی ساخت یافته در زندگی به شمار می‌رفت و وجود نقش‌های ثابت در نهاد ازدواج به دلیل وجود تقسیم کار در خانواده بود (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۹۵). اکنون این ساختار تغییر کرده و بخشی از این تغییر به علت سنت‌زدایی است. نقش‌های قبلی مرد و زن در جوامع معاصر دیگر ثابت نیست. ازدواج حالت نهادی شفاف خود را از دست داده و درصد بسیار بالایی از کسانی که ازدواج می‌کنند، کسانی هستند که قبلاً با هم زندگی می‌کرده‌اند. این امر در نظر بیشتر مردم متعلق به نسل گذشته ناممکن بود؛ چون یک رسوایی اجتماعی قلمداد

می‌شد (همان). تئوری نوگرایی ارزشی به نکاتی اشاره می‌کند که از نظر کارکردگرایان به خانواده آسیب می‌زند و آن را از حالت طبیعی دور می‌کند. از دید کارکردگرایان، خانواده و کارکردهای آن برای حفظ ثبات و سلامت جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از کارکردهای مهم خانواده که همواره بقای نسل بشر را تضمین می‌کند، تولیدمثل است. پارسونز از نظریه پردازان کارکردگرا، با تأکید بر نقش خانواده در حفظ ثبات جامعه و سلامت افراد، از مواردی چون تنظیم روابط جنسی و تولیدمثل به عنوان کارکردهای اساسی خانواده یاد می‌کند (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶، ص ۵۳). اسلام نیز بر همین اعتقاد است و همان گونه که اشاره شد، اصل نخست را در خانواده، تکثیر نسل می‌داند. آموزه‌های اسلامی بر استمرار نسل بشر و پرورش افراد برای آینده جوامع تأکیدی خاص دارد. در مورد نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار در خانواده، با مراجعه به منابع اسلامی به دو دسته از گزاره‌های دینی در این رابطه بر می‌خوریم: دسته اول پاره‌ای از تفاوت‌های ذاتی و فطری میان زن و مرد را علت علایق متفاوت شغلی بین دو جنس می‌دانند (حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۰-۴۲) و دسته دوم مربوط به مواردی می‌شود که به الگوی مطلوب تقسیم کار از الگوی نامطلوب آن پرداخته‌اند و شامل روایت‌هایی می‌شود که نقش‌های مادری و همسری را نقش‌های برتر زن معرفی کرده‌اند (همان، ص ۱۱۵).

با توجه به مباحث نظری مطرح شده، در این پژوهش برای تبیین علل کاهش میزان باروری، از ترکیب سه رویکرد استفاده شده است: نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت، نوگرایی ارزشی گیدنز و رویکرد اسلامی.

۱-۴. مدل مفهومی پژوهش

نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش



۲. فرضیه‌های پژوهش

۲-۱. فرضیه اصلی: بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش به باروری در زنان شهر همدان، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۲-۲. فرضیه‌های فرعی

۱. بین میزان باور به ارزش‌های فردگرایانه و گرایش به باروری در زنان، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۲. بین دیدگاه زنان درباره ازدواج و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۳. بین دیدگاه زنان درباره طلاق و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۴. بین میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری و گرایش زنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۵. بین دیدگاه زنان در خصوص کارکردهای خانواده و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۶. بین تمایل زنان به تحصیلات بالا و گرایش به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.

۷. به نظر می‌رسد فردگرایی در میان متغیرهای مستقل، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته (گرایش به باروری) داشته باشد.

۳. تعریف مفاهیم

با توجه به فرضیه‌های یادشده، متغیر وابسته این پژوهش «گرایش به باروری» است و متغیر مستقل «ارزش‌های فرهنگی» است.

۳-۱. **گرایش به باروری:** «گرایش» تمایل برای حرکت به سمت شیئی خوشایند است (Durkhem, 2004, p.63)؛ سیستمی از واکنش‌های ارزیابی‌کننده مبتنی بر اعتقادات و چارچوب‌هاست که بر اساس آنها ارزیابی انجام می‌شود. این پایه‌های ارزیابی‌کننده در دوران‌های گوناگون شکل‌گیری شخصیت در خانواده و جامعه به وجود می‌آید (رفیع‌پور، ۱۳۷۲، ص ۶). «باروری» (Fertility) نیز مقیاسی برای اندازه‌گیری قدرت تولیدمثل زنان است که از آمار کودکان زنده به دنیا آمده به دست می‌آید (پولارد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸). برای سنجش این متغیر، هم شمار فرزندان زنده به دنیا آمده سنجیده می‌شود و هم شمار فرزندان را که زن قصد دارد افزون بر فرزندان موجود، در آینده به دنیا بیاورد (قدرتی و همکاران،

۱۳۹۲، ص ۸۳). در پژوهش حاضر متغیر گرایش به باروری، با هشت گویه زیر سنجیده شده است:

تمایلی به داشتن فرزندان متعدد (بیش از دو فرزند) ندارم؛ بچه‌ها با تولد خود به زندگی، نشاط و امید می‌بخشند؛ فرزند نعمت و رحمت الهی است، هرچه بیشتر، بهتر؛ با داشتن فرزندان متعدد مخالفم، چون مانع از فعالیت‌های اجتماعی زن می‌شود؛ وظیفه اصلی زن فرزندآوری و فرزندپروری است؛ من برای مادر شدن ازدواج می‌کنم (کرده‌ام)؛ داشتن فرزند موجب گذشتن از بسیاری از خواست‌های مهم شخصی می‌شود؛ با سقط جنین مخالفم.

۳-۲. ارزش‌های فرهنگی (Cultural values)

«ارزش» در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب و ناشایست و نامطلوب نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲). ارزش شیوه‌ای از بودن یا عمل است که یک شخص یا جمع به عنوان آرمان می‌شناسد و افراد یا رفتارهایی را که به آن نسبت داده می‌شوند، مطلوب و مشخص می‌نمایند (روشه، ۱۳۶۷، ص ۷۶). «فرهنگ» نیز از دید گیدنز، ارزش‌هایی‌اند که اعضای یک گروه معین دارند و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۳۶). در این پژوهش، ارزش‌های فرهنگی در شش بُعد (ارزش‌های فردگرایانه؛ دیدگاه به ازدواج؛ دیدگاه به طلاق؛ میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری؛ دیدگاه به کارکردهای خانواده و نقش زن در خانواده؛ تمایل به تحصیلات بالا) مورد توجه قرار گرفته است که هر یک با گویه‌های زیر سنجیده شده‌اند:

ارزش‌های فردگرایانه با نه گویه: وقت کافی برای فرزندآوری و فرزندپروری ندارم؛ نمی‌خواهم با داشتن فرزند متعدد، آسایش و آرامش را از خودم سلب کنم؛ ترس از دست دادن فرصت ادامه تحصیل، مرا از فکر داشتن فرزندان متعدد باز می‌دارد؛ دشواری کار نگهداری از فرزند یا فرزندان، مرا از بچه‌دار شدن دلسرد می‌کند؛ تمرکز بر بچه‌داری مانع از رشد و شکوفایی استعدادهای مادر می‌شود؛ به دنیا آوردن فرزند، آغاز مشکلات فراوان زن است؛ تحقق خواست‌های شخصی را به هر چیز دیگری اولویت می‌دهم؛ داشتن فرزند، عمر و جوانی زن را هدر می‌دهد؛ وجود فرزند، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های آینده والدین را به هم می‌ریزد.

دیدگاه به ازدواج با ده گویه: ازدواج برای من در اولویت اول زندگی قرار دارد؛ ادامه تحصیل در مقایسه با ازدواج، اهمیت بیشتری برایم دارد؛ ازدواج در سن بالا اشتباه است؛ ازدواج به منزله محدودیت برای فعالیت‌های اجتماعی زنان است؛ زنان شاغل و

تحصیل کرده ضرورت خاصی برای ازدواج ندارند؛ دختران مجرد مسئولیت کمتری دارند و آسان‌تر و آزادتر زندگی می‌کنند؛ ازدواج برای تولید نسل و بقای انسان است؛ ازدواج سبب پذیرش اجتماعی زن در جامعه می‌شود؛ همه دختران حتماً باید روزی ازدواج کنند؛ ازدواج سبب بالا رفتن ارزش یک زن در جامعه می‌شود.

دیدگاه نسبت به طلاق با نه گوئی: طلاق امری زشت و مذموم است؛ طلاق گرفتن، فرصتی برای دوباره زیستن است؛ اگر به طلاق مجبور شوم، حتماً این کار را انجام می‌دهم؛ حتی اگر بسیار به زحمت بیفتم، در صورت لزوم طلاق می‌گیرم؛ اگر روزی به طلاق مجبور شوم، حتی در صورت مخالفت خانواده، این کار را خواهم کرد؛ اگر تشخیص دهم که با طلاق آسان‌تر زندگی می‌کنم - در صورت داشتن فرزند - حتی از حضانت فرزندانم صرف‌نظر می‌کنم؛ گاهی اوقات طلاق گرفتن، راهی برای نجات از یک زندگی جهنمی است؛ طلاق را به زندگی پر از اختلاف ترجیح می‌دهم، حتی اگر فرصت دوباره ازدواج کردن را نداشته باشم؛ حاضرم برای رهایی از مشکلات زندگی با مرد ناسازگار، حتی از مهریه و سایر حقوق قانونی‌ام بگذرم و طلاق بگیرم.

میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری با هفت گوئی: خانواده‌های پرفرزند نزد خداوند عزیز هستند؛ خانه‌ای که فرزندان فراوان دارد، محل رفت و آمد فرشتگان است؛ وجود فرزند باعث برکت در خانه می‌شود؛ فرشتگان نعمت و رحمت را به خانه‌ای می‌برند که در آن فرزندان بیشتری زندگی می‌کنند؛ سقط جنین گناه است و مادران نباید چنین کاری کنند، مگر با اجازه پزشک؛ افزایش جمعیت مسلمانان باعث قدرت و منزلت آنان می‌شود؛ پیامبر ﷺ به زیادی امت خود در آخرت مباحثات می‌کند.

دیدگاه به کارکردهای خانواده و نقش زن در خانواده با یازده گوئی: زنان باید مانند مردان دارای درآمد شخصی و استقلال مالی باشند؛ وجود بچه مانع از فعالیت‌های اجتماعی زن می‌شود؛ محدود شدن فعالیت زنان به خانه‌داری و بچه‌داری باعث کاهش رشد فکری و توانایی و استعدادهای گوناگون آنان می‌شود؛ اشتغال خارج از خانه برای زن، آخرین اولویت زندگی اوست؛ یکی از نقش‌های مهم زن در خانواده، فرزندآوری است؛ ایفای نقش عاطفی در خانواده، فقط بر عهده زن است؛ من تمایلی به پذیرفتن نقش‌های خانگی سنتی زنان ندارم؛ وظایف خانه و بچه‌داری باید به طور مساوی میان زن و مرد تقسیم شود؛ تأمین هزینه‌های زندگی وظیفه مردان است؛ انجام کارهای خانه، تنها وظیفه زنان است؛

برای یک مرد، شغل و حرفه باید در درجه اول اهمیت باشد و فرزندپروری در اولویت‌های بعدی قرار گیرد.

تمایل به تحصیلات بالا با چهار گویه: ادامه تحصیل را به ازدواج ترجیح می‌دهم؛ تحصیلات بالا برای زنان ضرورتی ندارد؛ تمرکز بر بچه‌داری فرصت ادامه تحصیل را از من می‌گیرد؛ علاقه به تحصیلات دانشگاهی، مرا از فکر کردن به فرزندآوری باز می‌دارد. گویه‌های بالا از مقاله‌ها، کتاب‌ها و پژوهش‌های انجام شده توسط نویسندگان مقاله در ارتباط با موضوع‌های بالا و نیز با توجه به نتایج مطالعات پژوهشگران دیگر استخراج و در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است. پایایی پرسش‌نامه، با آلفای کرونباخ (جدول ۱) و روایی آن با ارائه پرسش‌نامه به استادان مطالعات زنان و خانواده و اعمال نظر آنان، مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی، برخی گویه‌ها که به شکل وارونه، موضوع مورد مطالعه را می‌سنجید، ریکود شد. جامعه آماری این تحقیق، زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر همدان هستند و تعداد زنان بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است؛ به این معنا که نخست، فهرستی از خوشه‌ها (مناطق چندگانه شهر همدان) تهیه شد و سپس شهر به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و از هر منطقه، پنج خیابان و از هر خیابان، بیست واحد مسکونی به شیوه تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند و بانوان ساکن این واحدها در صورت تمایل، به تکمیل پرسش‌نامه اقدام کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 و آزمون پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام صورت گرفته است.

جدول ۱: مقدار پایایی متغیرها

متغیر	تعداد گویه‌ها	میزان آلفای کرونباخ
ارزش‌های فردگرایانه	۹	۰/۸۲۶
دیدگاه زنان به ازدواج	۱۰	۰/۸۲۷
دیدگاه زنان به طلاق	۹	۰/۷۴۵
میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری	۷	۰/۷۸۸
دیدگاه زنان درباره کارکردهای خانواده و نقش زن در خانواده	۱۱	۰/۸۱۵
تمایل به تحصیلات بالا	۴	۰/۸۱۷

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میانگین سنی زنان مشارکت کننده ۲۷ سال بوده و ۱۳ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۵۳ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۰/۳ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال و ۳/۷ درصد بیش از ۴۰ سال داشته‌اند. میانگین سن نخستین ازدواج پاسخگویان متأهل، ۲۱ سال بوده و داشتن تحصیلات کاردانی و کارشناسی بیشترین فراوانی را داشته است. ۲۲ درصد از پاسخگویان شاغل، ۵۲/۱ درصد مجرد، ۶۶ درصد بدون فرزند و ۳۳/۱ درصد دارای فرزند بوده‌اند. بیشترین درصد پاسخگویان دارای همسر با تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و کمترین درصد دارای همسر با تحصیلات دکترا بوده‌اند. ۵۲ درصد کمتر از یک میلیون درآمد ماهانه دارند. بیشترین فراوانی مدت زندگی مشترک پاسخگویان متأهل در گروه بین ۱ تا ۵ سال قرار دارد.

۶. آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون شش فرضیه اول این پژوهش، از آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته (گرایش به فرزندآوری) استفاده شد.

جدول ۲: نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	ضریب هم‌بستگی	سطح معناداری	تعداد	نتیجه آزمون
بین میزان باور به ارزش‌های فردگرایانه و گرایش به باروری در زنان، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۶۵۸**	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه اول
بین دیدگاه زنان به ازدواج و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۲۶۰**	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه دوم
بین دیدگاه زنان به طلاق و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۱۵۱-	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه سوم
بین میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری و گرایش زنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۵۹۰**	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه چهارم
بین دیدگاه زنان درباره کارکردهای خانواده و گرایش آنان به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۲۸۳**	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه پنجم
بین تمایل زنان به تحصیلات بالا و گرایش به باروری، رابطه معنادار آماری وجود دارد.	۰/۲۰۳**	۰/۰۰۰	۳۸۴	تأیید فرضیه ششم

با توجه به جدول بالا، رابطه میان همه متغیرهای مستقل (فرهنگی - ارزشی) و متغیر وابسته (گرایش به باروری)، در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنادار است. رابطه گرایش به ارزش های فردگرایانه و گرایش به باروری با ضریب همبستگی ۰/۶۵۸- نشان دهنده رابطه ای معکوس و قوی است؛ بدین معنا که با افزایش ارزش های فردگرایانه، گرایش به باروری در زنان مورد مطالعه کاهش یافته است. بر اساس داده های جدول بالا، دو متغیر دیدگاه زنان به ازدواج و گرایش به باروری با ضریب همبستگی ۰/۲۶۰ رابطه ای مستقیم دارند؛ بدین معنا که با افزایش دیدگاه مثبت به ازدواج در میان پاسخگویان، به نسبت متوسطی گرایش به باروری افزایش می یابد. رابطه بین دیدگاه مثبت زنان به طلاق و گرایش به باروری با ضریب همبستگی ۰/۱۵۱- معکوس و ضعیف است. بنابراین هرچه نگرش مثبت به طلاق افزایش یابد، گرایش به باروری در نمونه مورد مطالعه در حد ضعیفی کاهش می یابد. رابطه بین متغیرهای میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری و گرایش به باروری معنادار است. ضریب پیرسون در رابطه میان این دو متغیر ۰/۵۹۰ است. بنابراین رابطه دو متغیر، مستقیم و قوی است و با افزایش میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری، میزان گرایش به باروری در پاسخگویان افزایش می یابد. با توجه به داده های جدول بالا، رابطه بین دیدگاه مثبت زنان در خصوص کارکردهای سنتی خانواده و گرایش به باروری با ضریب همبستگی ۰/۲۸۳ معنادار و مستقیم است. پس با افزایش دیدگاه مثبت زنان به کارکردهای سنتی خانواده، گرایش به باروری افزایش می یابد؛ اما باید توجه داشت که این رابطه چندان قوی نیست. سرانجام آنکه رابطه بین تمایل به تحصیلات بالا و گرایش به باروری با ضریب همبستگی ۰/۲۰۳- رابطه ای معکوس است؛ بدان معنا که با افزایش تمایل به تحصیلات بالا در بین پاسخگویان، گرایش به باروری کاهش می یابد. بنابراین همه فرضیه های این پژوهش تأیید می شود و این گمانه که گرایش به باروری، رابطه معناداری با عوامل فرهنگی دارد، پذیرفته می شود.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام متغیرهای فرهنگی و زمینه ای گرایش به فرزندآوری

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	مقدار آزمون t	سطح معناداری
	B	Beta		
مقدار ثابت	۴۱/۷۷۴		۵۲/۷۸۲	۰/۰۰۰
ارزش های فردگرایانه	-۰/۲۳۵	-۰/۴۷۶	-۱۳/۹۹۶	۰/۰۰۰
میزان باورهای دینی	۰/۳۸۴	۰/۴۹۵	۱۶/۰۴۸	۰/۰۰۰

در باره فرزندآوری	۰/۰۰۰	۴/۲۶۲	۰/۱۶۰	۰/۰۲۸	۰/۱۱۹
دیدگاه آزمودنی‌ها					
در باره کارکردهای خانواده	۰/۰۱۰	۲/۵۷۴	۰/۱۰۴	۰/۱۱۹	۰/۳۰۶
درآمد خانواده	۰/۰۰۹	-۴/۰۹۱	-۰/۱۷۶	-۰/۱۳۵	-۰/۵۵۱
اشتغال	۰/۰۰۰	-۳/۸۶۴	-۰/۱۲۸	-۰/۱۶۴	-۰/۶۳۳
میزان تحصیلات					

ضریب تعیین (R) - ۰/۸۰۳

ضریب تعیین خالص (R square) - ۰/۶۴۵

مجذور تعدیل شده $R = ۰/۶۳۹$

خطای معیار برآورد $= ۱/۹۲۹۲۳$

در جدول بالا، متغیرهای مستقل (ارزش‌های فردگرایانه، نگرش به ازدواج، نگرش به کارکردهای خانواده، نگرش به طلاق، باورهای دینی در خصوص فرزندآوری، تمایل به تحصیلات بالا) به همراه متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، اشتغال و درآمد خانواده) وارد معادله رگرسیون با متغیر وابسته شدند که از متغیرهای مستقل، سه متغیر نگرش به ازدواج، طلاق و تحصیلات از معادله خارج شدند و متغیرهای ارزش‌های فردگرایانه، میزان باورهای دینی و دیدگاه زنان به کارکردهای خانواده، در معادله رگرسیون با متغیر وابسته باقی ماندند. از متغیرهای زمینه‌ای نیز سه متغیر سن، تحصیلات و اشتغال در معادله رگرسیون باقی ماندند. با کنترل این متغیرها، متغیرهای دیگر تأثیر مستقیمی بر شاخص کل متغیر وابسته (گرایش به باروری) نداشته‌اند.

با توجه به ضرایب رگرسیونی بتا (Beta) که ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق است، می‌توان سهم نسبی هر متغیر مستقل را در مدل مشخص کرد. در نتیجه با توجه به جدول بالا، ضریب رگرسیونی به دست آمده برای متغیر گرایش به ارزش‌های فردگرایانه در سطح اطمینان ۹۹ درصد برابر با ۰/۴۷۶- است؛ بدان معنا که به ازای افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر «گرایش به ارزش‌های فردگرایانه»، میزان گرایش به باروری در میان پاسخگویان به میزان ۰/۴۷۶- انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد انحراف معیار در متغیر «میزان باورهای دینی»، گرایش به باروری به میزان ۰/۴۹۵- انحراف استاندارد بالا می‌رود. در ازای

افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر «دیدگاه مثبت آموذنی‌ها به کارکردهای خانواده» گرایش به باروری در میان پاسخگویان به میزان $0/160$ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر «تحصیلات» و نیز «اشتغال»، گرایش به باروری در میان پاسخگویان به ترتیب به میزان $0/128$ و $0/176$ انحراف استاندارد کاهش یافته است؛ درحالی‌که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر «درآمد» گرایش به باروری به میزان $0/104$ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در این میان متغیر «باورهای دینی دربارهٔ فرزندآوری» دارای بیشترین رابطه با متغیر وابسته است و پس از آن، متغیر «ارزش‌های فردگرایانه» قرار دارد. متغیر «درآمد» دارای کمترین رابطه با متغیر وابسته است.

با توجه به نتایج جدول بالا، مقدار ضریب هم‌بستگی (R) بین متغیرها $0/803$ است که نشان می‌دهد متغیر مستقل توانسته میزان زیادی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (Square-Adjusted R) $0/645$ است که نشان می‌دهد متغیرهای باقیمانده در معادلهٔ رگرسیون $64/5$ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند و $35/5$ درصد باقیمانده توسط متغیرهایی جز متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون موجود تبیین می‌شود.

جدول ۴: اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر گرایش به باروری

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
گرایش به ارزش‌های فردگرایانه	$-0/476$	$-0/101$	$-0/577$
میزان باورهای دینی در خصوص فرزندآوری	$0/495$	-	$0/495$
دیدگاه مثبت به کارکردهای خانواده	$0/160$	$0/022$	$0/182$
درآمد	$0/104$	-	$0/104$
اشتغال	$-0/176$	-	$-0/176$
میزان تحصیلات	$0/128$	-	$0/128$
تمایل به تحصیلات بالا	-	$-0/042$	$-0/042$

نتایج تحلیل مسیر در جدول بالا نشان می‌دهد گرایش به ارزش‌های فردگرایانه، قوی‌ترین و مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کنندهٔ گرایش به باروری زنان در سن باروری شهر همدان است که با گرایش به باروری زنان، رابطهٔ منفی داشته است. پس از آن، میزان

باورهای دینی درباره فرزندآوری و سپس دیدگاه مثبت آزمونی‌ها به کارکردهای خانواده، قوی‌ترین متغیرهایی بوده‌اند که با گرایش به باروری زنان‌ها رابطه مثبت داشته‌اند. بدین ترتیب فرضیه هفتم این پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

۰/۱۷۶-۰/۶۹۵

۰/۲۱۳-۰/۱۸۷ ۰/۲۳۰

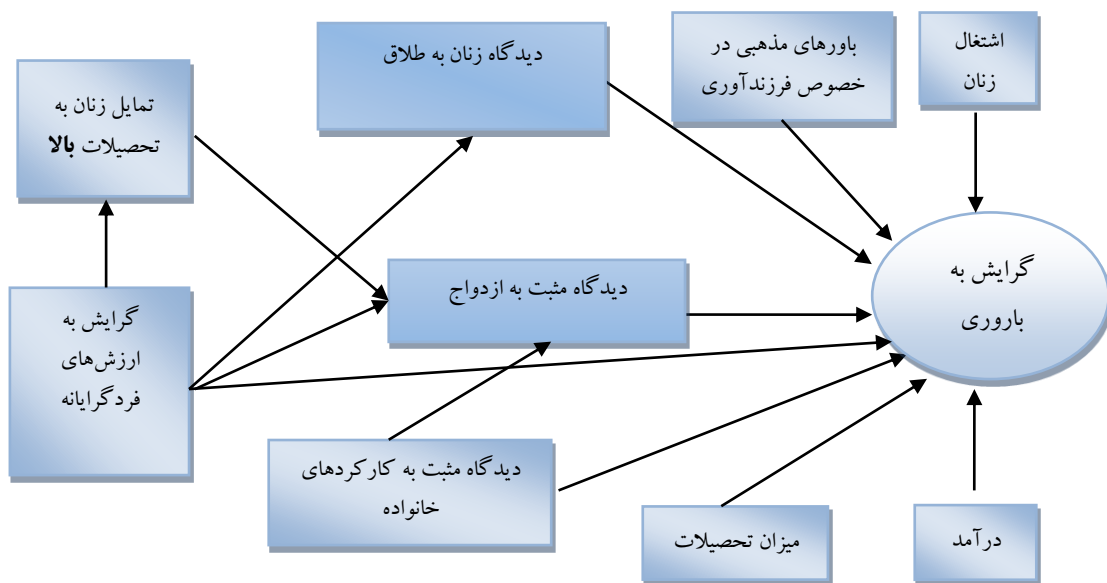
۰/۲۰۵

۰/۲۲۵-۰/۲۰۱

۰/۴۷۶-

۰/۱۰۴-۰/۱۲۸ ۰/۱۶۰-۰/۰۹۸

نمودار ۲: مدل تجربی پژوهش



بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، رابطه بین ارزش‌های فرهنگی و گرایش به باروری در زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر همدان بررسی شده است. نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون در جدول ۲ نشان می‌دهد در سطح ۹۹ درصد اطمینان، بین متغیرهای مستقل (عوامل شش‌گانه فرهنگی) شامل، میزان باور به ارزش‌های فردگرایانه (با ضریب هم‌بستگی ۰/۶۵۸-)، دیدگاه مثبت

زنان به ازدواج (با ضریب هم‌بستگی ۰/۲۶۰)، دیدگاه مثبت به طلاق (با ضریب هم‌بستگی ۰/۱۵۱)، میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری (با ضریب هم‌بستگی ۰/۵۹۰)، دیدگاه مثبت زنان‌ها به کارکردهای سنتی خانواده (با ضریب هم‌بستگی ۰/۲۸۳)، تمایل به تحصیلات بالا (با ضریب هم‌بستگی ۰/۲۰۳)، رابطه معنادار آماری وجود دارد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش رستگار خالد و دیگران (۱۳۹۴) همسوست؛ زیرا آنان نیز به این نتیجه دست یافتند که رابطه کاملاً معناداری میان متغیرهای فردگرایی، دین‌داری، سکولاریسم و ارزش‌های خانوادگی در میان مراکز استانی ایران با میزان باروری در این استان‌ها وجود دارد. یافته‌های این پژوهش در خصوص رابطه معکوس بین تمایل به تحصیلات بالا و گرایش به باروری نیز با نتایج مطالعه رشادت و دیگران (۲۰۱۵) همسوست. این پژوهشگران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افزایش میزان تحصیلات زنان بیشترین تأثیر را بر کاهش میزان باروری داشته است.

نتایج آزمون رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد ۶۴/۵ درصد از کل تغییرات میزان گرایش به باروری در زنان شهر همدان، توسط متغیرهای فرهنگی - ارزشی گرایش به ارزش‌های فردگرایانه، میزان باورهای دینی در خصوص فرزندآوری و دیدگاه زنان به کارکردهای خانواده و نیز متغیرهای زمینه‌ای درآمد، اشتغال و میزان تحصیلات زنان تبیین می‌شود. متغیرهای مستقل و زمینه‌ای دیگر از معادله رگرسیون با متغیر وابسته خارج شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد متغیر «گرایش به ارزش‌های فردگرایانه»، تعیین‌کننده - ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده گرایش نداشتن به باروری در پاسخگویان بوده که با گرایش به باروری آنان رابطه معکوس داشته است. پس از آن، «میزان باورهای دینی درباره فرزندآوری» قوی‌ترین متغیری بوده که با گرایش به باروری در جمعیت مورد بررسی، رابطه‌ای مستقیم و مثبت داشته است. در وهله سوم، «دیدگاه مثبت زنان به کارکردهای خانواده و نقش زن در خانواده»، بیشترین رابطه مثبت را با گرایش به باروری نشان داده است. به بیان دیگر زنانی که ارزش‌های فردگرایانه کمتری دارند، یا از باورهای مذهبی بیشتری در خصوص فرزندآوری برخوردارند و یا به میزان بیشتری نسبت به کارکردهای سنتی) خانواده نظر مثبت داشته‌اند و گرایش بیشتری به بارداری نشان داده‌اند. بنابراین هفت فرضیه این پژوهش تأیید شد و نشان داد بین متغیرهای فرهنگی (ارزشی) و گرایش به باروری، هم‌بستگی وجود دارد. در واقع ارزش‌ها که زیربنای هنجارها، نهادها و ساخت

اجتماعی را تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار افراد یک جامعه به شمار می‌روند، با جهانی شدن فرهنگی، دستخوش دگرگونی شده‌اند و پیامدهایی را متوجه عرصه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها کرده‌اند. در این میان خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، از این تغییرات مصون نمانده است. افزایش سن ازدواج، کاهش تمایل به فرزندآوری، افزایش طلاق و افزایش میزان مجرد قطعی، برخی از تغییرات رخ داده در حوزه خانواده است؛ از این رو ضرورت دارد نهادها و مسئولان امور فرهنگی به این مسائل و از جمله پدیده کاهش گرایش به باروری به عنوان یک مسئله فرهنگی نگاه کنند. در ارتباط با فرزندآوری، نتایج تحلیل رگرسیون این پژوهش نشان می‌دهد این موضوع با میزان درآمد خانواده رابطه آشکاری ندارد؛ در حالی که میزان فردگرایی در زنان، هم‌بستگی به نسبت قوی‌ای با گرایش به فرزندآوری دارد. تمایل زنان به تحصیلات بالا، اشتغال، به چالش کشیدن کارکردهای خانواده و نقش خانگی زنان در شکل سنتی آن، حتی در صورت تمکن مالی ممکن است به گرایش نداشتن آنان به فرزندآوری‌های متعدد شود؛ از این رو لازم است دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان امور فرهنگی به‌ویژه نهادهای مذهبی، آموزشی و صداوسیما، به ترویج و شناساندن دیدگاه‌های اسلامی و نظرهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در زمینه ازدواج و باروری مبادرت کنند. تنها با برنامه‌های فرهنگی و در درازمدت می‌توان اثرات منفی ارزش‌های فرهنگی جدید در حوزه خانواده را کاهش داد و زنان و مردان را به اهمیت نقش‌های والدینی و همسری و پیامدهای مثبت آن به لحاظ روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آگاه کرد. ترویج فضای مثبت در این زمینه می‌تواند در ترغیب زنان به فرزندآوری مؤثر واقع شود.

منابع و مأخذ

۱. امینی یخدانی، مریم؛ «گذار دوم جمعیت»؛ سایت پژوهشکده باقرالعلوم، ۲۴ آبان ۱۳۹۳، در:
http://pajoohe.ir-Second-Demographic-Transition_a-41305.aspx.
۲. اینگلهارت، رونالد؛ تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی؛ ترجمه مریم وتر؛ تهران: کویر، ۱۳۷۳.
۳. بستان (نجفی)، حسین، محمدعزیز بختیاری و سیدحسین شرف‌الدین؛ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۴. پولارد، آلفرد هورلستون و دیگران؛ روش‌های تحلیل جمعیت؛ ج ۴، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
۵. جمشیدیها، غلامرضا، مجید کوششی و یوسف ایرانی؛ «عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان متأهل ۱۵-۴۹ ساله) شهر قم»؛ اسلام و علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۵، ۱۳۹۰، ص ۵۹-۷۰.
۶. چراغی کوتیانی، اسماعیل؛ «فمینیسم و کارکردهای خانواده»؛ معرفت، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸-۱۱۷.
۷. چراغی کوتیانی، اسماعیل و سیدحسین شرف‌الدین؛ «نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی»؛ معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۳، ص ۷۸-۵۱.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، تهران: المکتبه الاسلامیه، [بی تا].
۹. رستگار خالد، امیر و میثم محمدی؛ «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها)»؛ جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۹-۱۸۰.
۱۰. رفیع پور، فرامرز؛ سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی؛ [بی جا]: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۲.
۱۱. رفیع پور، فرامرز؛ بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سیدحسین سیدی؛ تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۱۲. روشه، گی؛ کنش اجتماعی؛ ترجمه هما زنجانی زاده؛ تهران: آستان قدس رضوی،

۱۳۶۷.

۱۳. روشه، گکی؛ *تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی؛ تهران: چ ۱۶، نشر نی، ۱۳۸۳.*
۱۴. وزارت کشور؛ *سالنامه آماری اداره کل ثبت احوال استان همدان سال ۱۳۹۰؛ سازمان ثبت احوال کشور، اداره کل ثبت احوال استان همدان، ۱۳۹۱.*
۱۵. ستوده، هدایت الله و سیف الله بهاری؛ *خشونت در خانواده، جنبه‌های جامعه‌شناختی؛ تهران: ندای آریان، ۱۳۸۶.*
۱۶. شیخی، محمد تقی؛ *جمعیت و تنظیم خانواده؛ تهران: نشر دیدار، ۱۳۷۳.*
۱۷. عباسی شوازی، محمد؛ *«افزایش سن ازدواج و کاهش تعداد فرزندان»؛ در: نشست «بررسی مفهوم جوانی»، ۴ مهر ۱۳۹۶، در: <http://aftabnews.ir/fa/news/478222>.*
۱۸. عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان؛ *«مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»؛ زن و جامعه، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۹-۱۳۷.*
۱۹. فروتن، یعقوب؛ *«چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی»؛ مسائل اجتماعی ایران، سال ۴، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۱۲۹.*
۲۰. قدرتی، حسین، داریوش باستانی، اکرم قدرتی و سیداحمد کلالی؛ *«بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان، مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله شهر سبزوار»؛ مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال ۳، شماره ۱۱، ۱۳۹۲، ص ۷۵-۹۱.*
۲۱. کاستلز، مانوئل؛ *عصر اطلاعات، قدرت هویت؛ ج ۲، ترجمه حسن چاوشیان؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۴.*
۲۲. کتابی، احمد؛ *درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویراست پنجم با افزوده‌ها، ۱۳۸۸.*
۲۳. گیدنز، آنتونی؛ *جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.*
۲۴. گیدنز، آنتونی؛ *جهان رهاشده؛ ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب؛ تهران: علم و ادب، ۱۳۷۹.*
۲۵. مصطفوی، فرخ؛ *«فرهنگ و باروری»؛ مسائل اجتماعی ایران؛ تهران: آگه، ۱۳۸۳.*
۲۶. «نرخ باروری در همدان به ۲/۱ درصد رسید»؛ در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/03/30/1442075>

27. Baudin, Thomas; "A Role for Cultural Transmission in Fertility Transitions"; Paris: *School of Economics University of Paris*, Panthéon, Sorbonne CES (Centre d'Economie Sorbonne), 2010, pp.106-112.
28. Durkheim, Emile; *Durkheim's Philosophy Lectures*; Notes from the Lycée de Sens Course, 1883-1884ed &trans by Gross, Neil & Jones, Robert Alun. Cambridge University Press. 2004, p.63-66.
29. Martin, Teresa Castro and Fatima, Juarez; "The Impact of Women's Education on Fertility in Latin America: Searching for Explanation"; *International Family Planning Perspectives*, Volume 21, Number 2, 1995, pp.52-80.
30. Muir, Jonathan A.; "Indicators of Fertility Change in a Developing Nation: Examining the Impact of Motorcycles as a Distance Demolishing Technology on Fertility Change in Rural Indonesia"; *All Theses and Dissertations*, 2012, p.3272.
31. Newson, Lesley; Postmes, Tom; Lea, S.E.G; paul Webley; Richerson, Peter j. & Mcelreath, Richard; "In Fluences on Communication about Reproduction the Cultural Evolution of low Fertility"; *Journal of Marriage and the Family*, 63, 2007, pp.491-503.
32. Reshadat, Sohyla, Alireza Zanganeh, Shahram Saeidi, Ramin Ghasemi, Nader Rajabi-Gilan, Ali Karbasi & Raziye Teymouri; *Comparative Study of the Cultural Effective Factors on Women's Total Fertility Rate in Fertile Age*; Zahedan University of Medical Sciences, 2015.